



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال اول / شماره سوم / پاییز ۱۳۹۱

بررسی تاثیر تخصص حسابرس در صنعت بر هزینه سرمایه و نرخ بهره استقراض شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهره حاجیها

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (مسئول مکاتبات)
z_hajjha@yahoo.com

ندا سبحانی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
n.sobhani30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۰

چکیده

این پژوهش رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و نرخ بهره استقراض و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در تحقیقات پیشین نشان داده شده است که تخصص حسابرس در صنعت یکی از شاخصهای کیفیت حسابرسی است، بنابراین باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت می‌شود و از آنجا که ریسک اطلاعاتی را نیز کاهش می‌دهد، می‌تواند باعث کاهش نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق استقراض نیز شود. از این رو صورتهای مالی ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹، به منظور بررسی این موضوع مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در این تحقیق از رویکرد سهم بازار برای تعیین حسابرس متخصص در صنعت و از نسبت سود به قیمت تعدیل شده صنعت برای اندازه‌گیری هزینه سرمایه شرکت استفاده شده است. نرخ بهره نیز از نسبت هزینه‌های مالی به متوسط بدهی‌های بهره‌دار در ابتدا و پایان سال مالی بدست می‌آید. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون ترکیبی، مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد که شرکتهایی که حسابرس آنها متخصص در صنعت است دارای هزینه سرمایه و نرخ بهره کمتری نسبت به شرکتهایی که از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده نمی‌کنند، هستند.

واژه‌های کلیدی: هزینه سرمایه، نرخ بهره، کیفیت حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت.

۱- مقدمه

امروزه شفافیت و کیفیت مطلوب اطلاعات مالی، که پایه و اساس تصمیم گیریهای بهینه اقتصادی سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و بطور اعم استفاده کنندگان از اطلاعات است، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۸). از آنجا که جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران میگردد و همچنین تئوری انتظارات منطقی و عقلایی و تئوری نمایندگی بیان می کنند که تضاد منافع بین سرمایه گذاران و مدیران باعث بوجود آمدن خطر اخلاقی^۱ مدیران می شود، حسابرسی به وسیله اطمینان دادن به سرمایه گذاران در مورد اعتبار صورتهای مالی تهیه شده به وسیله مدیریت نقش بسیار مهمی را در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات مربوط به نمایندگی ایفا می کند (جنسن و مکلینگ^۲، ۱۹۷۶)، خورانا و رامان^۳ (۲۰۰۴)، فرناندو^۴ (۲۰۰۷)، احمد و همکاران^۵ (۲۰۰۸)، چن و همکاران^۶ (۲۰۱۰). با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، موسسات حسابرسی، ضرورت ارائه خدمات خود را با کیفیت هرچه بهتر به بازار بیشتر دریافته اند (عرب صالحی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ چراکه کیفیت بالای حسابرسی عنصر مرکزی بازار سرمایه فعال است (اسکینر و اسپرینوآسان^۷، ۲۰۱۱). محققین بسیاری از جمله استاکز و همکاران^۸ (۲۰۰۹)، احمد و همکاران (۲۰۰۸) و فرناندو و همکاران (۲۰۰۸ و ۲۰۰۷)، اظهار کرده اند که کیفیت بالای حسابرسی هزینه سرمایه شرکتها را کاهش می دهد و از آنجا که متخصص بودن حسابرس در صنعت به عنوان یکی از شاخصهای کیفیت حسابرسی مطرح شده است (گال و همکاران^۹، ۲۰۰۹) می تواند باعث کاهش هزینه سرمایه و همچنین نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق استقراض شود. در این پژوهش، مطابق با تحقیقات کارجالینن^{۱۰} (۲۰۱۰) نرخ بهره در واقع شاخصی برای نشان دادن هزینه استقراض شرکت است. بنابراین هرچه نرخ بهره کمتر باشد هزینه تامین مالی شرکت از طریق اخذ وام نیز کاهش می یابد و بدین ترتیب ارزش شرکت و ثروت سهامداران افزایش می یابد.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر تخصص حسابرس در صنعت بر هزینه سرمایه شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین در این پژوهش بررسی می شود که آیا متخصص بودن حسابرس در صنعت می تواند نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق اخذ وام را کاهش دهد یا خیر. برای آزمون فرضیه این پژوهش از آزمون تحلیل رگرسیون ترکیبی استفاده شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین نشان می دهند که حسابرسان متخصص در صنعت سطح اطمینان بالاتری را برای استفاده کنندگان نسبت به دیگر حسابرسان فراهم می کنند. حسابرسان متخصصی که، در صنعت مورد تخصص خود انجام وظیفه می کنند، بیشتر قادر به کشف اشتباهات هستند (لی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰). تخصص حسابرس در صنعت شامل به وجود آوردن افکار سازنده به منظور کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم کردن دیدگاه ها و یا راهکارهای تازه برای برخی از موضوعاتی می شود که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن روبه رو می شوند (کند^{۱۲}، ۲۰۰۸). حسابرسان متخصص در صنعت منابع با اهمیتی را برای توسعه دانش و تخصص خاص صنعت اعطا می کنند که آنها را برای ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالا توانا می سازد (فرناندو، ۲۰۰۷). به دنبال این نظریه که کیفیت بالای حسابرسی منجر به کاهش ریسک اطلاعاتی می شود، لی و همکاران (۲۰۱۰)، بیان کردند که شرکت هایی که از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده می کنند هزینه تامین مالی خود از طریق بدهی را کاهش می دهند.

از آنجا که حالات مختلف تخصص حسابرس در صنعت به طور مستقیم قابل مشاهده نیست، تحقیقات گذشته شاخصهای مختلفی را برای اندازه گیری تخصص حسابرس در صنعت به کار گرفته است. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی غالباً به عنوان شاخصهایی برای تخصص حسابرس در صنعت مورد استفاده قرار می گیرد.

رویکرد سهم بازار^{۱۳}

رویکرد سهم بازار، متخصص صنعت را به عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقیبان خود از نظر سهم بازار در هر صنعت خاص متمایز کرده است، تعریف می کند. این رویکرد فرض می کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسات حسابرسی که به یک صنعت خاص ارائه خدمت می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. مؤسسه ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است (یو،^{۱۴}، ۲۰۰۸)

رویکرد سهم پرتفوی^{۱۵}

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی را در صنایع مختلف برای هر مؤسسه حسابرسی مورد لحاظ قرار می دهد. این رویکرد بیشتر به راهبردهای مؤسسه حسابرسی مربوط است. صنایع صاحبکار مؤسسه حسابرسی با بیشترین سهم پرتفوی، نشان دهنده صنایعی هستند که مؤسسات حسابرسی دانش پایه ای معناداری را در ارتباط با آن صنایع ایجاد کرده اند و سهم بزرگ پرتفوی گویای این است که سرمایه گذاری معناداری توسط مؤسسات حسابرسی در توسعه فن آوری های حسابرسی مربوط به آن صنعت صورت گرفته است (یو، ۲۰۰۸). در ادامه به بررسی برخی تحقیقات مرتبط پرداخته می شود: وانگ^{۱۶} (۲۰۱۱)، رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و افزایش حق الزحمه حسابرسی را در نیوزلند مورد بررسی قرار داد. نتایج وی نشان داد که تخصص در صنعت تاثیری در حق الزحمه حسابرسی ندارد، بدین معنی که متخصص بودن حسابرسان در یک صنعت خاص رابطه ای با افزایش حق الزحمه حسابرسی در نیوزلند ندارد.

لی و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه بین حسابرسان متخصص در صنعت و هزینه بدهی شرکت را مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنها نشان داد که شرکتهایی که توسط حسابرسان متخصص در صنعت حسابرسی می شوند هزینه بدهی کمتری نسبت به دیگر شرکتهای دارند.

استاکز و همکاران^{۱۷} (۲۰۰۹)، در رابطه با تاثیر کیفیت حسابرسی بر روی هزینه سرمایه تحقیقی انجام دادند. یکی از شاخصهای آنها برای سنجش کیفیت حسابرسی، تخصص حسابرسان در یک صنعت بود. آنها دریافتند که متخصص بودن حسابرسان در یک صنعت خاص باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت می شود، بنابراین کیفیت حسابرسی بالا با کاهش هزینه سرمایه ارتباط دارد.

فرناندو و همکاران (۲۰۰۸)، دو ویژگی مربوط به حسابرسان یعنی اندازه حسابرسان و تخصص حسابرسان در صنعت، و دو ویژگی ارتباط بین حسابرسان-مشتری یعنی تداوم همکاری با صاحبکار و اظهار نظر حسابرسان را به عنوان شاخصهای کیفیت حسابرسی در نظر گرفتند و تاثیر آنها را بر هزینه سرمایه بررسی کردند. آنها دریافتند که سه ویژگی اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در یک صنعت و دوره تصدی حسابرسان، با هزینه سرمایه رابطه منفی دارند.

فرناندو در سال ۲۰۰۷ در رساله دکتری خود به بررسی تاثیر دو شاخص کیفیت حسابرسی یعنی اندازه حسابرسان و تخصص حسابرسان در یک صنعت خاص بر هزینه سرمایه پرداخت. وی نشان داد که با افزایش کیفیت حسابرسی بازده مورد انتظار سرمایه گذاران کاهش می یابد، بنابراین با افزایش کیفیت حسابرسی هزینه سرمایه شرکت نیز کاهش پیدا می کند. او دریافت که تخصص حسابرسان در صنعت باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت می شود.

سوابق تحقیق داخل کشور

با بررسی های به عمل آمده به نظر می رسد تحقیقی که مستقیماً روی رابطه تخصص حسابرسان در صنعت و هزینه سرمایه تمرکز کرده باشد، در ایران انجام نشده است، اما برخی تحقیقات مرتبط در ادامه مرور می شود:

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹)، رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیات آتی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که شرکتهایی که حسابرسان آنها، متخصص صنعت است دارای سطح بالاتر مدیریت "واقعی" سود نسبت به سایر

شرکتها هستند ولی عملکرد عملیاتی آتی آنها کاهش نمی یابد.

ناظمی اردکانی و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آنها نشان می دهد که شرکت‌هایی که حسابرسی آنها، متخصص صنعت است، دارای سطح مطلق اقلام تعهدی کمتر و ضریب واکنش سود بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسی آنها، متخصص صنعت نیست، هستند؛ به عبارت دیگر، حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت تری به صاحبکاران خود ارائه می کنند.

علوی طبری و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیق خود بررسی کردند که آیا کیفیت حسابرسی با پیش بینی سود شرکتها رابطه دارد؟ شواهد نشان داد که زمانی که شرکتها بوسیله حسابرسان متخصص در صنعت حسابرسی می شوند، صحت پیش بینی سود بالاتر و انحراف پیش بینی سود کمتر است. همچنین اندازه موسسه حسابرسی با انحراف پیش بینی سود رابطه معکوس دارد.

عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۸۸)، به بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی و ریسک اطلاعاتی بر هزینه سرمایه پرداختند. یافته های تحقیق آنها بیانگر آن است که هزینه سرمایه (هزینه بدهی و هزینه حقوق صاحبان سهام) شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی پایین از هزینه سرمایه شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی بالا، بیشتر است. همچنین طبق یافته های این تحقیق تاثیر کیفیت اقلام تعهدی اختیاری بر هزینه سرمایه بیشتر از تاثیر کیفیت اقلام تعهدی غیر اختیاری (ذاتی) بر هزینه سرمایه است.

۳- فرضیات پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و هزینه سرمایه و نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق اخذ وام که هدف اصلی این پژوهش می باشد، فرضیه های زیر تدوین شده است.

تحقیقات اخیر نشان داده است که حسابرسان متخصص، آشنایی بیشتری با کسب و کار صاحبکارشان دارند و در نتیجه دانش و تجربه بیشتری در یک صنعت خاص دارند (میترا و حسین^{۱۸}، ۲۰۱۰). تحقیقات بالسام و

همکاران^{۱۹} (۲۰۰۳)، احمد و همکاران (۲۰۰۸) بیانگر آن است که بین نوع صنعت مورد تخصص حسابرسی و کیفیت گزارش حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت می توانند حسابرسی را با کیفیت بالاتری انجام دهند. به علاوه، هر قدر موسسه حسابرسی تجربه بیش تری در صنعت خاصی کسب نماید، به دلیل ایجاد شهرت بهتر، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر پیدا می کند (دون و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات استاکز و همکاران (۲۰۰۹)، فراندو و همکاران (۲۰۰۸)، احمد و همکاران (۲۰۰۸) نشان می دهد که تخصص حسابرسی در صنعت باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت می شود. بنابراین فرضیه اول تحقیق به صورت زیر بیان می شود:

تخصص حسابرسی در یک صنعت رابطه معنی داری با هزینه سرمایه شرکت دارد.

لو و وسوری^{۲۱} (۲۰۰۹) و لی و همکاران (۲۰۱۰)، دریافته اند که شرکت‌هایی که حسابرسان متخصص در صنعت را استخدام می کنند، می توانند هزینه بدهی خود را کاهش دهند. احمدپور و همکاران (۱۳۸۹)، بیان می کنند که کیفیت حسابرسی موجب اطمینان بخشی به اعتباردهندگان و سرمایه گذاران شده و ریسک اطلاعاتی آنان را کاهش و هزینه بهره استقراض شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین از آنجا که تخصص حسابرسی در صنعت یکی از شاخص های کیفیت حسابرسی است به نظر می رسد که می تواند باعث کاهش نرخ بهره شرکت شود. بنابراین فرضیه دیگر این پژوهش به صورت زیر بیان می شود:

تخصص حسابرسی در یک صنعت رابطه معنی داری با نرخ بهره شرکت دارد.

۴- مدل های پژوهش و تعریف متغیرها

برای آزمون فرضیه اول تحقیق، سازگار با تحقیقات فرانسیس و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۵)، گری و همکاران^{۲۳} (۲۰۰۹)، استاکز و همکاران (۲۰۰۹) و وانگ و

$Leverage_{j,t}$): به صورت کل بدهی تقسیم بر کل دارایی تعریف شده است. اندازه شرکت ($Size_{j,t}$): لگاریتم طبیعی جمع داراییهای شرکت j در سال t . از آنجائیکه ریسک شرکتهای بزرگ کمتر بوده و در نتیجه بازده مورد انتظار سهامداران و هزینه سرمایه آنها کمتر است، انتظار داریم اندازه شرکت نیز روی هزینه سرمایه شرکت تاثیر داشته باشد؛ به طوری که با بزرگتر شدن اندازه شرکت، هزینه سرمایه آن کاهش یابد.

تخصص حسابرسان در صنعت (ISPEC)، متغیر مستقل پژوهش است. در این تحقیق سازگار با تحقیقات ناظمی اردکانی و همکاران (۱۳۸۸)، اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) و می هو و ویلکینز^{۲۵} (۲۰۰۳) از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرسان در صنعت بهره گرفته می شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. هرچه سهم بازار حسابرسان بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسان نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار اشاره دارد به اینکه حسابرسان به طور موفقیت آمیزی خود را از سایر رقیبان از لحاظ کیفیت حسابرسانی متمایز کرده است (می هو و ویلکینز، ۲۰۰۳). سهم بازار حسابرسان به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\text{تخصص حسابرسان در صنعت} =$$

$$\frac{\text{مجموع داراییهای تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسانی خاص در صنعت خاص}}{\text{مجموع داراییهای تمام صاحبکاران در این صنعت}}$$

مؤسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم شرکتهای موجود در یک صنعت بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از $\{1/2\} \times$ شرکتها موجود در یک صنعت باشد (پالمرز^{۲۶} (۱۹۸۶)، نیل و ریلی^{۲۷} (۲۰۰۴)). در این پژوهش اگر حسابرسان شرکت متخصص در صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر اختصاص می یابد.

برای آزمون فرضیه دوم، سازگار با تحقیق کارجالاین (۲۰۱۰)، از مدل شماره ۲ بهره گرفته شده که با توجه به شرایط و تفاوت مقررات در ایران مدل تعدیل شده به صورت زیر است:

همکاران^{۲۴} (۲۰۰۹)، رحمانی و فلاح نژاد (۱۳۸۹) از مدل رگرسیون خطی زیر استفاده می شود.

$$(1) \quad IndEP_{i,j} = \beta_0 + \beta_1 Growth_{j,t} + \beta_2 Leverage_{j,t} + \beta_3 Beta_{j,t} + \beta_4 Size_{j,t} + \beta_5 EQ_{j,t} + \beta_6 ISPEC_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

در رابطه شماره ۱:

نسبت سود به قیمت تعدیل شده صنعت $IndEP$: نسبت سود به قیمت شرکت j در سال t به میانه سود به قیمت صنعت است (که از میانه سود به قیمت شرکتهای هر صنعت در نمونه مورد بررسی به دست می آید). از این نسبت به عنوان شاخص هزینه سرمایه استفاده شده است، زیرا این نسبت اهمیت سودهایی را که در مقابل قیمت کوچک بوده و نشان دهنده کیفیت بالای اقلام تعهدی است، حفظ می کند و شاخص مطلوبی از هزینه سرمایه است که در بازار مشاهده شده است؛ به طوری که با افزایش قیمت، سهامداران انتظار دارند که سود در آینده نزدیک افزایش یابد. در این تحقیق هزینه سرمایه متغیر وابسته تحقیق است.

به جهت کنترل اثر دیگر متغیرهای تاثیر گذار بر هزینه سرمایه شرکت طبق تحقیق استاکز و همکاران (۲۰۰۹)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) و وانگ (۲۰۰۹)، متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده اند:

رشد (Growth): رشد شرکت j در سال t (که از نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در سال t به ارزش دفتری در سال $t-1$ استفاده می شود). پیش بینی می شود که شرکتهای در حال رشد هزینه سرمایه بالاتری دارند). کیفیت سود (EQ): منظور از کیفیت سود به طور عام نزدیک بودن سود عملیاتی به جریان نقدی حاصل از فعالیتهای عملیاتی است. برای سنجش کیفیت سود از کل اقلام تعهدی (TAC) که یکی از معیارهای سنجش کیفیت سود است استفاده می کنیم. بتا (Beta): از داده های ماهانه و بر مبنای مدل CAPM برآورد شده و برای هر شرکت از اطلاعات سه سال گذشته (۳۶ ماه یا مشاهده) استفاده می شود. این شاخص نشان دهنده ریسک شرکت بوده است و انتظار می رود با بزرگتر شدن آن ریسک شرکت بیشتر شده، هزینه سرمایه افزایش یابد. اهرم)

مبانی نظری استفاده شده است و به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت پردازش فرضیه های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم افزار شرکت ره آورد نوین و بررسی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و با مراجعه به سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است و پس از جمع آوری داده های آماری، برای جمع بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم افزار Excel استفاده شده است و تجزیه و تحلیل داده ها با بسته نرم افزارهای SPSS و EViews انجام گرفته است.

جامعه آماری در این تحقیق شامل شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و در مورد نمونه تحقیق، نمونه گیری تصادفی سیستماتیک از جامعه انجام شده است. خصوصیات زیر برای اطلاعات جامعه تعریف شده است و فقط شرکت هایی در قلمرو مکانی تحقیق قرار گرفتند که دارای کلیه ویژگی های زیر باشند:

- ۱) با توجه به متغیر تخصص حسابرس در صنعت خاص، آن صنعت باید حداقل دارای ۵ شرکت باشد.
- ۲) شرکت در دوره مطالعه تغییر سال مالی نداده باشد.
- ۳) شرکت تا پایان سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- ۴) شرکت جزو شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشد.
- ۵) اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

پس از اعمال این شرایط، نمونه آماری پژوهش شامل ۹۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران شده است. قلمرو زمانی تحقیق نیز دوره ۷ ساله ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ می باشد.

۶- یافته های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در جداول شماره ۱ و ۲ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

$$(2) \\ \text{INTRATE}_{i,j} = \beta_0 + \beta_1 \text{NOTE}_{j,t} + \beta_2 \text{EQ}_{j,t} + \beta_3 \text{LNAGE}_{j,t} \\ + \beta_4 \text{Size}_{j,t} + \beta_5 \text{CFO}_{j,t} + \beta_6 \text{BETA}_{j,t} \\ + \beta_7 \text{LEVERAGE}_{j,t} + \beta_8 \text{MATURITY}_{j,t} \\ + \beta_9 \text{DITRESS}_{j,t} + \beta_{10} \text{PPE}_{j,t} \\ + \beta_{11} \text{ISPEC}_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

در این مدل :

نرخ بهره (INTRATE): سازگار با تحقیق کارجالاین (۲۰۱۰)، در هر شرکت برای هر سال از نسبت هزینه های مالی به متوسط بدهی های بهره دار ابتدا و پایان سال مالی بدست می آید. در این تحقیق متغیر مذکور دیگر متغیر وابسته تحقیق است.

سازگار با تحقیق کارجالاین (۲۰۱۰) متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترل معرفی شده اند:

اظهار نظر حسابرس (NOTE): متغیر مصنوعی است که اگر گزارش حسابرس شامل اظهار نظر مشروط باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می شود. سن شرکت (LNAGE): لگاریتم طبیعی یک (۱) به علاوه سالهایی که از تشکیل شرکت می گذرد. CFO: وجه نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی شرکت، که از تقسیم وجه نقد حاصل از فعالیتهای اصلی و مستمر مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری بر میانگین داراییها به دست می آید. در این تعریف وجه نقد پرداختی بابت مالیات بر درآمد و بازده سرمایه گذاریها و سود پرداختی بابت تأمین مالی، مطابق با استاندارد حسابداری شماره دو ایران (صورت جریان وجوه نقد)، در نظر گرفته نمیشود. سررسید بدهی (MATURITY): برابر است با نسبت بدهی کوتاه مدت به کل بدهی. بحران مالی (DISTRESS): متغیر موهومی است که اگر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام منفی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می شود. PPE: نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات به کل دارایی می باشد. مابقی متغیرهای کنترل مانند مدل قبل می باشد.

۵- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش از روش کتابخانه ای جهت مطالعه و ارائه

جدول شماره ۱: شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای توضیحی تحقیق

انحراف ضرایب		کشیدگی	چولگی	واریانس	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نوع متغیر	متغیرهای تحقیق	
کشیدگی	چولگی									
۳۲۱.۷۹۹	۵۵.۵۱۲	۶۲.۲۲۰	۵.۳۷۵	۰.۲۴۶	۰.۴۹۶	۱.۰۱۸	۶۳۷	وابسته	هزینه سرمایه	IndEP
۸.۶۹۴	۱۶.۴۱۷	۱.۶۸۱	۱.۵۹۰	۱۹.۸۳۱	۴.۴۵۳	۳.۳۵۲	۶۳۷	وابسته	نرخ بهره	INTRATE
۱۹۲.۱۰۳	-۱.۰۸۶	۳۷.۱۴۳	-۰.۱۰۵	۰.۵۸۳	۰.۷۶۳	۰.۲۱۳	۶۳۷	کنترل	رشد	Growth
۳۰.۴۵۵	۷.۷۵۷	۵.۸۸۸	۰.۷۵۱	۰.۰۴۰	۰.۲۰۱	۰.۶۲۰	۶۳۷	کنترل	اهرم	LEVERAGE
۸۹.۰۶۴	-۲۱.۶۹۵	۱۷.۲۲۱	-۲.۱۰۱	۲.۳۰۹	۱.۵۲۰	۰.۳۱۳	۶۳۷	کنترل	بتا	BETA
۶.۷۳۸	۷.۴۷۹	۱.۳۰۳	۰.۷۲۴	۱.۷۶۹	۱.۳۳۰	۳.۲۰۱	۶۳۷	کنترل	اندازه شرکت	SIZE
۵۸۵.۸۷۶	۸۷.۸۵۵	۱۱۳.۲۷۹	۸.۵۰۷	۵۲.۷۹۷	۷.۲۶۶	۰.۸۵۲	۶۳۷	کنترل	کیفیت سود	EQ
-۰.۱۴۷	-۹.۰۰۶	-۰.۰۲۸	-۰.۸۷۲	۰.۲۲۶	۰.۴۷۶	۳.۴۲۲	۶۳۷	کنترل	سن شرکت	LNAGE
۱۱۱.۲۴۵	۲۴.۹۹۳	۲۱.۵۰۹	۲.۴۲۰	۰.۰۲۴	۰.۱۵۶	۰.۱۴۰	۶۳۷	کنترل	وجه نقد عملیاتی	CFO
۲۸.۸۳۷	-۱۹.۲۴۱	۵.۵۷۶	-۱.۸۶۳	۰.۰۲۰	۰.۱۴۱	۰.۸۶۸	۶۳۷	کنترل	سررسید بدهی	MATURITY
۶.۰۱۱	۱۱.۰۷۳	۱.۱۶۲	۱.۰۷۲	۰.۰۲۹	۰.۱۶۹	۰.۲۵۱	۶۳۷	کنترل	اموال و تجهیزات به دارایی	PPE

جدول شماره ۲: شاخص های فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای توضیحی تحقیق

درصد فراوانی	فراوانی	متغیرهای موهومی	
۴۲.۴	۲۷۰	حسابرس غیر متخصص در صنعت	تخصص حسابرسان
۵۷.۶	۳۶۷	حسابرس متخصص در صنعت	
۱۰۰.۰	۶۳۷	جمع	
۷۱.۴	۴۵۵	غیر سازمان حسابرسی	اندازه موسسه حسابرسی
۲۸.۶	۱۸۲	سازمان حسابرسی	
۱۰۰.۰	۶۳۷	جمع	
۱۸.۲	۱۱۶	فاقد تداوم چهار سال متوالی رابطه	تداوم همکاری با صاحبکار
۸۱.۸	۵۲۱	تداوم چهار سال متوالی رابطه	
۱۰۰.۰	۶۳۷	جمع	
۳۸.۹	۲۴۸	اظهار نظر مقبول	اظهار نظر حسابرسان
۶۱.۱	۳۸۹	اظهار نظر مشروط	
۱۰۰.۰	۶۳۷	جمع	
۹۸.۴	۶۲۷	عدم بحران مالی	بحران مالی
۱.۶	۱۰	بحران مالی	
۱۰۰.۰	۶۳۷	جمع	

مقارن بودن توزیع متغیر است همچنین ضریب انحراف کشیدگی متغیر سن شرکت کوچکتر از قدرمطلق ۱/۹۶ است که بیانگر مشابه بودن منحنی توزیع با توزیع نرمال است و نشان می دهد که مشاهده های دورافتاده متغیر سن شرکت از شاخص های مرکزی در دامنه چپ توزیع واقع شده است و تراکم مشاهده در محور شاخص های مرکزی همانند توزیع نرمال است. میانگین هزینه سرمایه برابر ۱/۰۱۸ بیانگر این است که به طور متوسط هزینه

در جدول شماره ۱، میانگین، انحراف معیار، واریانس، ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود انحراف ضرایب چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها به غیر از متغیر رشد شرکت و سن شرکت بزرگتر از قدرمطلق ۱/۹۶ است که بیانگر نامتقارن بودن توزیع و همچنین انحراف منحنی توزیع از شکل نرمال است. انحراف ضریب چولگی متغیر رشد شرکت کوچکتر از قدرمطلق ۱/۹۶ است که بیانگر

سرمایه شرکتهای نمونه برابر این مقدار بوده است و انحراف معیار نیز نشان می دهد که پراکندگی متغیر هزینه سرمایه در شرکتهای نمونه برابر ۰/۴۹۶ می باشد. در جدول شماره دو نیز فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای موهومی پژوهش، نشان داده شده اند.

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول تحقیق عبارت است از: بین تخصص در حسابرسی و هزینه سرمایه رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

آماره دوربین واتسون مدل با مقدار ۱/۸۳۸ حاکی است که مدل فاقد خودهمبستگی است. هرچند آماره دوربین واتسون فاصله محسوسی با مدار ۲ دارد، اگر مقدار آماره ۱/۵۰ باشد، جای نگرانی نیست. در صورتی که مقدار دوربین واتسون ۲ باشد، همبستگی خطاهای مدل رگرسیون، صفر است. بنابراین هرچه مقدار دوربین واتسون، به ۲ نزدیکتر باشد، میزان همبستگی خطاها، کمتر است. سطح معناداری آماره فیشر (۰/۰۰۰۰)، کوچکتر از سطح خطای قابل قبول، یعنی کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب کلی آزمون پذیرفته شده است. از

میان شش متغیر توضیحی مدل، تاثیر متغیر مستقل تخصص حسابرس در صنعت و متغیرهای کنترل: رشد شرکت، بتا و کیفیت سود حداقل در سطح ۰/۹۵ اطمینان معنادار است. به بیان دیگر آماره t این متغیرها بزرگتر از قدرمطلق ۱/۹۶ و سطح معناداری آنها کوچکتر از ۰/۰۵ است. تاثیر متغیرهای کنترل اهرم مالی و اندازه شرکت معنادار نیست. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون هاسمن کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین مدل با اثر ثابت مورد آزمون قرار گرفته است.

ضریب تشخیص مدل با مقدار ۰/۲۶۸ بیانگر آن است که متغیر مستقل تخصص حسابرس در صنعت به همراه پنج متغیر دیگر حدود ۰/۲۶٪ از تغییرات هزینه سرمایه را توجیه می کند. در نتیجه می توان ادعا کرد که شیب متغیر مستقل تخصص حسابرس در صنعت در کنار متغیرهای کنترل دیگر بر متغیر هزینه سرمایه معکوس و معنادار است و فرضیه تحقیق دال بر معکوس بودن رابطه پذیرفته شده است.

فرضیه دوم عبارت است از: بین تخصص حسابرس در صنعت و نرخ بهره شرکت رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه تحقیق

متغیر وابسته: هزینه سرمایه، تعداد دوره: ۷، تعداد مقطع: ۹۱، تعداد مشاهده شده: ۶۳۷						
نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری		
β_0 C	۰.۳۲۰۶۰۰	۰.۷۹۴۲۵۲	۰.۴۰۳۶۵۰	۰.۶۸۶۶	ضریب ثابت	
β_1 GROWTH	۰.۰۶۳۴۶۶	۰.۰۲۷۱۱۵	۲.۳۴۰۶۳۱	۰.۰۱۹۶	رشد شرکت	
β_2 LEVERAGE	۰.۱۹۷۷۸۷	۰.۱۶۳۳۲۳	۱.۲۱۱۰۱۷	۰.۲۲۶۴	اهرم مالی	
β_3 BETA	۰.۰۴۰۶۶۰	۰.۰۱۵۸۶۶	۲.۵۶۲۷۴۵	۰.۰۱۰۷	بتا	
β_4 SIZE	۰.۰۴۶۸۸۰	۰.۰۵۷۶۲۴	۰.۸۱۳۵۵۲	۰.۴۱۶۳	اندازه شرکت	
β_5 EQ	۰.۰۱۴۲۸۷	۰.۰۰۳۵۰۵	۴۰.۷۶۷۴۹	۰.۰۰۰۱	کیفیت سود	
β_6 INDUSTRYSPECIALIST	-۰.۱۳۷۷۱۲	۰.۰۶۱۵۹۳	-۲.۲۳۵۸۳۰	۰.۰۲۵۸	تخصص در حسابرسی	
ضریب تشخیص			۰.۲۶۸۰۵۳		میانگین متغیر وابسته	
ضریب تشخیص اصلاح شده			۰.۱۳۷۹۲۹		انحراف متغیر وابسته	
انحراف معیار رگرسیون			۰.۴۶۰۵۳۱		مجموع مربع انحرافات توجیه نشده	
آماره F			۲۰.۵۹۹۷۸		آماره دوربین - واتسون	
سطح معنی داری F			۰.۰۰۰۰۰۰		آماره هاسمن	
			۰.۰۲۲۰		سطح معنی داری	

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل رگرسیون آزمون فرضیه اول تحقیق

متغیر وابسته: نرخ بهره، تعداد دوره: ۷، تعداد مقطع: ۹۱، تعداد مشاهده شده: ۶۳۷						
نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری		
β_0	C	ضریب ثابت	-۳.۷۲۴۴۴۱	۴.۷۸۵۸۰۳	-۰.۷۷۸۲۲۷	۰.۴۳۶۸
β_1	NOTE	اظهار نظر حسابرس	۰.۴۴۹۴۱۶	۰.۲۸۷۹۳۹	۱.۵۶۰۸۰۴	۰.۱۱۹۲
β_2	EQ	کیفیت سود	۰.۰۲۵۳۵۶	۰.۰۱۸۵۹۰	۱.۳۶۳۹۲۴	۰.۱۷۳۲
β_3	LNAGE	سن شرکت	-۲.۲۵۷۹۲۴	۱.۵۸۴۴۴۷	-۱.۴۲۵۰۵۴	۰.۱۵۴۷
β_4	SIZE	اندازه شرکت	۰.۹۱۸۳۳۸	۰.۴۰۰۷۳۳	۲.۲۹۱۶۴۳	۰.۰۲۲۳
β_5	CFO	وجه نقد عملیاتی	۰.۷۷۳۷۸۰	۰.۸۶۰۹۳۱	۰.۸۹۱۷۷۱	۰.۳۶۹۲
β_6	BETA	بتا	-۰.۰۹۳۷۷۵	۰.۰۸۱۶۶۴	-۱.۱۴۸۲۹۶	۰.۲۵۱۴
β_7	LEVERAGE	اهرم مالی	۰.۰۱۶۵۳۹	۰.۹۳۴۵۱۶	۰.۰۱۷۶۹۸	۰.۹۸۵۹
β_8	MATURITY	بدهی کوتاه مدت به کل بدهی	۳.۹۸۰۲۴۷	۱.۰۹۸۸۳۹	۳.۶۲۲۲۳۱	۰.۰۰۰۳
β_9	DISTRESS	بحران مالی	-۰.۲۷۸۷۶۴	۱.۰۵۸۹۳۳	-۰.۲۶۳۲۵۰	۰.۷۹۲۵
β_{10}	PPE	نسبت اموال و تجهیزات به کل دارایی	-۲.۳۸۱۹۱۱	۱.۴۶۸۴۳۵	-۱.۶۲۲۰۷۵	۰.۱۰۵۴
β_{11}	INDUSTRY SPECIALIST	تخصص در حسابرسی	-۰.۹۲۲۸۶۲	۰.۳۲۲۹۲۰	-۲.۸۵۷۸۶۵	۰.۰۰۴۴
ضریب تشخیص			۰.۷۶۲۷۸۰	میانگین متغیر وابسته		۳.۳۵۱۷۶۵
ضریب تشخیص اصلاح شده			۰.۷۱۷۹۹۷	انحراف متغیر وابسته		۴.۴۵۳۱۵۵
انحراف معیار رگرسیون			۲.۳۶۴۸۰۲	مجموع مربع انحرافات توجیه نشده		۲۹۹۱.۸۷۴
آماره F			۱۷.۰۳۲۶۱	آماره دوربین - واتسون		۱.۵۸۸۱۰۹
سطح معنی داری F		آماره هاسمن	۰.۰۰۰۰۰۰	آماره مربع کا		۲۹.۹۰۲۳۱۸
				سطح معنی داری		۰.۰۰۱۶

صنعت و متغیرهای کنترل: اندازه شرکت و بدهی کوتاه مدت به کل بدهی حداقل در سطح ۰.۹۵ اطمینان معنادار است. به بیان دیگر آماره t این متغیرها بزرگتر از قدرمطلق ۱/۹۶ و سطح معناداری آنها کوچکتر از ۰/۰۵ است. تاثیر سایر متغیرهای کنترل معنادار نیست. به عبارت دیگر از بین متغیرهای کنترل مدل، فقط متغیر اندازه موسسه شرکت و بدهی کوتاه مدت به کل بدهی، رابطه مثبت و معنی داری با نرخ بهره دارد. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون هاسمن کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین مدل با اثر ثابت مورد آزمون قرار گرفته است.

ضریب تشخیص مدل با مقدار ۰/۷۶۲ بیانگر آن است که متغیر مستقل تخصص حسابرس در صنعت به همراه ده متغیر دیگر حدود ۷۶٪ از تغییرات نرخ بهره را توجیه می کند. در نتیجه می توان ادعا کرد که شیب متغیر

آماره دوربین واتسون مدل با مقدار ۱/۵۸۸ حاکی است که مدل فاقد خودهمبستگی جدی است. هرچند آماره دوربین واتسون فاصله محسوسی با مدار ۲ دارد، اگر مقدار آماره ۱/۵۰ باشد، جای نگرانی نیست. در صورتی که مقدار دوربین واتسون ۲ باشد، همبستگی خطاهای مدل رگرسیون، صفر است. بنابراین هرچه مقدار دوربین واتسون، به ۲ نزدیکتر باشد، میزان همبستگی خطاها، کمتر است. یکی از مفروضه های استفاده از آزمونهای پارامتریک وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. این آزمون در تحلیل رگرسیون با یک آزمون کلی و با آماره F انجام میشود. با توجه به جدول شماره ۴، سطح معناداری آماره فیشر (۰/۰۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای قابل قبول، یعنی کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه ضریب کلی آزمون پذیرفته شده است. از میان یازده متغیر توضیحی مدل، متغیر مستقل تخصص حسابرس در

بر اساس نتایج این تحقیق می توان پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه نمود:

(۱) نتایج تحقیق نشان می دهد که تخصص حسابرسی در صنعت باعث کاهش هزینه سرمایه و نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق استقراض شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود، بنابراین به جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می شود که شرایطی را برای آموزش حسابرسان و افزایش توانایی و تخصص آنها در صنایع مختلف فراهم کنند.

(۲) استفاده از نتایج این پژوهش توسط حسابرسان، مدیران و تصمیم گیرندگان شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای کاهش هزینه سرمایه و نرخ بهره، به منظور افزایش ارزش شرکت و ثروت سهامداران، پیشنهاد می شود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی نیز به شرح زیر می باشد:

(۱) در این پژوهش برای اندازه گیری تخصص حسابرسی در صنعت از رویکرد سهم بازار استفاده شد. به محققان و دانش پژوهان پیشنهاد می شود در تحقیقی دیگر از رویکرد سهم پرتفوی برای اندازه گیری آن استفاده نموده و نتایج را با نتایج این تحقیق مقایسه کنند.

(۲) بررسی تاثیر تخصص حسابرسی در صنعت بر پیش بینی سود.

(۳) بررسی تاثیر تخصص حسابرسی در صنعت بر کیفیت افشای شرکت.

(۴) بررسی تاثیر تخصص حسابرسی در صنعت بر افزایش حق الزحمه حسابرسی.

فهرست منابع

(۱) احمدپور، احمد، محمد کاشانی پور و محمد رضا شجاعی. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تامین مالی از طریق

مستقل تخصص حسابرسی در کنار متغیرهای کنترل دیگر بر متغیر نرخ بهره شرکت معکوس و معنادار است و فرضیه تحقیق دال بر معکوس بودن رابطه پذیرفته شده است.

۷- نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش رابطه بین تخصص حسابرسی در صنعت و هزینه سرمایه و نرخ بهره شرکت مورد بررسی قرار گرفت. برای اندازه گیری تخصص حسابرسی از رویکرد سهم بازار استفاده شد و برای اندازه گیری هزینه سرمایه از نسبت سود به قیمت تعدیل شده صنعت و نرخ بهره نیز از نسبت هزینه های مالی به متوسط بدهی های بهره دار ابتدا و پایان سال مالی بدست آمد. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد که بین تخصص حسابرسی در صنعت و هزینه سرمایه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، بدین معنی که شرکتهایی که از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده می کنند هزینه سرمایه کمتری نسبت به شرکتهای دیگر که از این حسابرسان استفاده نمی کنند، دارند. حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت می توانند حسابرسی را با کیفیت بالاتری انجام دهند. به علاوه، هر قدر موسسه حسابرسی تجربه بیش تری در صنعت خاصی کسب نماید، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می کند (دون و همکاران، ۲۰۰۰). نتیجه مزبور مشابه نتایج پژوهشهای انجام شده توسط استاکز و همکاران (۲۰۰۹)، فرناندو و همکاران (۲۰۰۸)، احمد و همکاران (۲۰۰۸) می باشد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد که بین تخصص حسابرسی در صنعت و نرخ بهره تامین مالی شرکت از طریق اخذ وام رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنی که شرکتهایی که از حسابرسان متخصص در صنعت برای حسابرسی صورتهای مالی شان استفاده می کنند، دارای نرخ بهره کمتری نسبت به شرکتهای دیگر هستند و در نتیجه هزینه بدهی کمتری نیز دارند. نتیجه مزبور، مشابه نتیجه تحقیق کارجالاین و همکاران (۲۰۱۰) می باشد.

- Quality .Review of Accounting Studies, Vol. 9, No. 1, PP: 35-58.
- 12) Fernando, Guy D. (2007). The Impact of Audit Quality on Cash Incentive Compensation and Cost of Capital. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Business Administration in the Graduate School of Syracuse University. <http://proquest.umi.com/3295518>
- 13) Fernando, G. D., Elder, R. J. Abdel-Meguid, A.M. (2008). Audit Quality Attributes, Client Size and Cost of Capital. available at: <http://ssrn.com/abstract=817286>
- 14) Francis, J., R. Lafond, Olsson, P., Schipper, K. (2005). The Market Pricing of Accruals Quality. Journal of Accounting & Economics. Vol. 39, No. 2, PP: 295-327.
- 15) Gray, P., Koh, P.S. Tong, Y. H. (2009). Accruals Quality, Information Risk and Cost of Capital: Evidence from Australia. Journal of Business Finance and Accounting, Vol. 36, No. 1 & 2, PP. 51-72.
- 16) Gul, F.A., Fung, S.Y.K., Jaggi, B. (2009). Earnings Quality: Some Evidence on the Role of Auditor Tenure and Auditors Industry Expertise. Journal of Accounting and Economics. Vol. 47. PP: 265-287.
- 17) Jensen, M., Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. Journal of financial Economics. Vol. 3, No. 4, PP: 305-360.
- 18) Karjalainen, J. (2010). Audit Quality and Cost of Debt Capital for Private Firms: Evidence from Finland. available at: <http://ssrn.com/abstract=1482939>.
- 19) Kend, Michael. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding. Pacific Accounting Review, Vol. 20, PP: 49-62.
- 20) Khurana, I.K. Raman, K.K. (2004). Litigation Risk and the Financial Reporting Credibility of Big 4 Versus Non-Big 4 Audit: Evidence from Anglo-American Countries. The Accounting Review, Vol. 79, No. 2, PP. 473-495.
- 21) Li, C., Xie, Y., Zhou, J. (2010). National Level, City Level Auditor Industry Specialization and Cost of Debt. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1546844>.
- 22) Lou, Y., Vasvari, F.P. (2009). Auditor Specialization and the Cost of Debt. available at: www.ssrn.com
- 23) Mayhew, B.W., Wilkins, M.S. (2003). Audit Firm Industry Specialization as a Differentiation Strategy: Evidence from Fees Charged to Firms Going Public. Auditing: A Journal of Practice & Theory. Vol. 22, No. 2, pp. 33-52.
- بدهی (استقراض). بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۷، ش ۶۲، صص ۱۷-۳۲.
- ۲) اعتمادی، حسین، آذر، عادل، ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی نقش تخصص حسابرسان در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی. دانش حسابداری. دوره ۱، ش ۱، صص ۹-۲۸.
- ۳) رحمانی، علی و فرهاد فلاح نژاد. (۱۳۸۹). تاثیر کیفیت ارقام تعهدی بر هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۲، ش ۳، صص ۱۷-۳۰.
- ۴) عرب صالحی، مهدی، جواد کاظمی و مهرداد ذولفعلی زاده. (۱۳۹۰). بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی. دانش حسابداری، دوره ۲، ش ۵، صص ۱۲۷-۱۴۷.
- ۵) عرب مازار یزدی، محمد و سید محمد طالبیان. (۱۳۸۸). کیفیت گزارشگری مالی، ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه، مطالعات حسابداری، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۱-۳۰.
- ۶) علوی طبری، سید حسین، سید احمد خلیفه سلطان و ندا شهیندیان. (۱۳۸۸). کیفیت حسابرسی و پیش بینی سود. تحقیقات حسابداری، دوره ۱، ش ۳، صص ۲۲-۳۵.
- ۷) ناظمی اردکانی، مهدی، حسین اعتمادی و امیر محمدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرسان و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱، ش ۲، صص ۱۷-۳۲.
- 8) Ahmed, A.S. Stephanie, J.R. Tse, S. (2008). Audit Quality, Alternative Monitoring Mechanisms, and Cost of Capital: An Empirical Analysis. available at: www.ssrn.com
- 9) Balsam, S., Krishnan, J., Taylor, S.L. (2003). Auditor Industry Specialization and Earning Quality. Auditing-a Journal of Practice & Theory, Vol. 22, No. 2, PP: 71-97.
- 10) Chen, H., Chen, Lobo, J.Z., Wang, Y.G.J. (2010). Effect of Audit Quality on Earning Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China. available at: <http://ssrn.com/abstract=1105539>.
- 11) Dunn, K., Mayhew, B.W. (2004). Audit Firm industry Specialization and Client Disclosure

- 23 .Gray et al
 24 .Wong et al
 25 .Mayhew & Wilkins
 26 .Palmrose
 27 .Neal & Riley

- 24) Mitra,S.,Hossain,M.(2010).Auditors Industry Specialization and Earnings Management of Firms Reporting Internal Control Weaknesses under SOX Section 404.Available at:www.ssrn.com
 25) Neal,T.L.,Riley,R.R.(2004).Auditor Industry Specialist Research Design. Auditing:A Journal of Practice& Theory.Vol.23,PP:169-177.
 26) Palmrose,Z.(1986).Audit fees and auditor size: Further evidence .Journal of Accounting Research, Vol.24,No.1,PP.97-110.
 27) [Stokes,D.,Li,Y., Taylor,S., Wong,L.\(2009\).](#) Audit quality, Accounting attributes and the cost of equity capital. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1481823>.
 28) [Yu,W.\(2008\).Accounting Based Earnings Management and Real Activities Manipulation. Unpublished Dissertation,Georgia Institute of Technology.](#)
 29) Wong, L.,(2009).The Pricing of Earnings Quality in Australia. Working paper.University of New South Wales.
 30) Skinner.D.J.,Srinivasan,S.(2011).Audit Quality and Auditor Reputation: Evidence from Japan.Available at:http://ssrn.com/abstract=1557231.
 31) Kwong,J.(2011).The Relationship Between Industry Specialization and the Audit Fee Premium in New Zealand.International Journal of Bussiness and Social Science . Vol.2,No.4,PP:260-278

یادداشت‌ها

- 1 .Moral Hazard
 2 .Jensen& meckling
 3 .Khurana & Raman
 4 .Fernando
 5 .Ahmed et al
 6 .Chen et al
 7 .Skinner & Srinivasan
 8 .Stokes et al
 9 .Gul et al
 10 .Karjalainen
 11 .Li et al
 12 .Kend
 13 .Market Share Approach
 14 .Yu
 15 .Portfolio Share Approach
 16 .Kwong
 17 . Stokes et al
 18 .Mitra & Hossain
 19 .Balsam et al
 20 .Dunn et al
 21 .Lou & Vasvari
 22 .Francis et al